نقطهٔ عطف

از پهلویسم آینده‌گرا تا اتحاد ایرانیان برای سکولاردموکراسی پارلمانی

دکتر پیمان بخشایش | MD, PhD, MBA

۸ نوامبر ۲۰۲۶



شاهزاده رضا پهلوی با جایزهٔ آزادی مردم ایران • ۷ نوامبر ۲۰۲۶
بازسازی تصویری با هوش مصنوعی از تصویر ارسالی نویسنده

از حضور در مراسم تا مسئولیت سیاسی

۱. جایزه‌ای به نام مردم ایران

روز هفتم نوامبر ۲۰۲۶، در کلیسای پاولس‌کیرشهٔ فرانکفورت، جایزهٔ آزادی بنیاد فریدریش ناومن به مردم ایران اهدا شد و شاهزاده رضا پهلوی آن را به امانت دریافت کرد؛ امانتی که بنا بر اعلام رسمی بنیاد، باید به نمایندگان آزادانه منتخب مردم ایران سپرده شود. این جایزه، بزرگداشت مبارزهٔ مردم برای آزادی، دموکراسی و کرامت انسانی بود. [۱]

من فرصت داشتم در این مراسم حضور داشته باشم و آن را از نزدیک ببینم. برای من، اهمیت آن روز از یک مراسم تقدیر فراتر می‌رفت. در چهره و سخنان شاهزاده رضا پهلوی، مردی را می‌دیدم که رنج مردمش برای او مسئله‌ای زنده و شخصی است؛ مردی که آیندهٔ ایران را در پیوند با آزادی، مشارکت شهروندان و همکاری با جهان می‌جوید. این، برداشت من از تجربهٔ حضور در آن مراسم است؛ تجربه‌ای که آن را نقطهٔ عطفی در مبارزهٔ ایرانیان می‌دانم.

معنای سیاسی این لحظه، به باور من، در مسئولیتی است که پیش روی ما می‌گذارد. اگر جایزه به مردم ایران تعلق دارد، باید زبان و رفتار ما نیز به اندازهٔ تنوع همین مردم گشوده باشد. احترام به شاهزاده زمانی به نیرویی سازنده تبدیل می‌شود که ما را به سازمان‌یافتگی، گفت‌وگو و کار مشترک برای ایران برساند.

۲. دو نگرش به میراث پهلوی

در نوشته‌های پیشین خود میان نگاه گذشته‌گرا و نگاه آینده‌گرا به پهلوی تمایز گذاشته‌ام. این تمایز را راهی برای سنجش رفتار سیاسی می‌دانم، نه حکمی دربارهٔ همهٔ پادشاهی‌خواهان. در یک سوی آن، حافظه‌ای زخمی قرار دارد: تجربهٔ فروپاشی، مهاجرت، تحقیر و از دست رفتن اقتدار ملی. این رنج قابل فهم است؛ اما وقتی به معیار انحصاری سیاست تبدیل شود، ممکن است هر پرسشی دربارهٔ گذشته را دشمنی و هر مخالفی را سزاوار طرد بداند. [۲]

در این نگاه، گاه همهٔ اعمال رضاشاه و محمدرضا شاه پهلوی از پرسش مصون می‌شوند و تاریخ انقلاب ۱۳۵۷ در چند برچسب خلاصه می‌شود. خشم از آنچه بر ایران گذشته، جای تحلیل را می‌گیرد و خاطرهٔ اقتدار به وعدهٔ انتقام تبدیل می‌شود. حاصل، دورشدن کسانی است که می‌توانستند برای آزادی ایران همکار باشند.

من خواهان پهلویسمی هستم که از میراث نوسازی و دولت‌سازی بیاموزد، دستاوردها را ارج بگذارد و توان نقد کاستی‌ها را نیز داشته باشد. آینده‌گرایی یعنی پرسیدن اینکه چگونه می‌توان ایران را آزادتر، آبادتر و انسانی‌تر ساخت. افتخار ملی زمانی ماندگار می‌شود که شهروند در کشور خود صاحب حق، صدا و امکان انتخاب باشد.

فهم دیگری؛ بنیان سیاست دموکراتیک

۳. هنر سیاست از فهم مخالف آغاز می‌شود

همراهی با کسانی که مانند ما فکر می‌کنند، بخش آسان سیاست است. آزمون دشوار از جایی آغاز می‌شود که بخواهیم منطق مخالف خود را بفهمیم: چرا جوانی به چریک‌های فدایی خلق پیوست؟ چرا دیگری مجاهد شد؟ چرا کسی به حزب توده، حزب دموکرات کردستان، کومله، حزب کمونیست ایران یا حزب کمونیست کارگری گرایش یافت؟ چرا فردی جمهوری‌خواه شد و دیگری در محیط مذهبی به بسیج یا سپاه نزدیک شد؟ پاسخ همهٔ این پرسش‌ها یکسان نیست.

برای فهم این مسیرها باید به تجربهٔ زندگی، خانواده، نابرابری، هویت، ترس، امید و فضای زمانه توجه کرد. توضیح یک انتخاب، تأیید آن انتخاب نیست؛ همان‌گونه که نقد یک جریان، مجوز تحقیر همهٔ کسانی نیست که زمانی به آن امید بسته‌اند. انسان می‌تواند تجربه بیندوزد، نظرش را تغییر دهد و در ساختن آینده نقشی تازه پیدا کند.

در مقالهٔ «آشتی‌پذیری» نیز بر همین ضرورت تأکید کرده‌ام: باید بتوانیم موضع رقیب را چنان منصفانه بفهمیم که اختلاف واقعی آشکار شود. همکاری سیاسی از جایی امکان‌پذیر می‌شود که حق برابر یکدیگر را بپذیریم، حتی وقتی دربارهٔ تاریخ و شکل حکومت هم‌نظر نیستیم. [۳]

۴. مشروطه‌خواهی؛ تعهد به محدودیت قدرت

آرمان مشارکت سیاسی، قانون و مجلس از مشروطه تا امروز در زندگی ایرانیان حضور داشته است. در نگاه من، ادامهٔ این آرمان یعنی شهروند بتواند بی‌هراس سخن بگوید، بنویسد، تشکل بسازد و دیدگاه خود را در رسانه‌ها عرضه کند. آزادی بیان باید منتقد محبوب‌ترین رهبر سیاسی را نیز دربرگیرد. هیچ نام تاریخی و هیچ پیروزی سیاسی، کسی را از پاسخ‌گویی معاف نمی‌کند.

ترجیح من پادشاهی مشروطهٔ پارلمانی است؛ نظمی که در آن دولت منتخب ادارهٔ کشور را بر عهده دارد، پارلمان بر آن نظارت می‌کند و حدود قدرت در قانون اساسی روشن است. با این حال، حق مردم برای انتخاب آزادانهٔ جمهوری یا پادشاهی مشروطه، بخشی از همان تعهد دموکراتیک است. در گزارش رسمی مراسم نیز بر واگذاری تصمیم دربارهٔ آینده و شکل حکومت به ایرانیان تأکید شده است. [۱]

پهلویسم آینده‌گرا، در تعریف من، باید از این حق انتخاب پاسداری کند. برای همکاری با یک جمهوری‌خواه لازم نیست او را ابتدا پادشاهی‌خواه کنیم. کافی است بر آزادی انتخابات، جدایی دین و حکومت، برابری شهروندان و امکان گردش مسالمت‌آمیز قدرت توافق داشته باشیم. اختلاف بر سر برنامه‌ها می‌تواند در پارلمان و فضای عمومی ادامه یابد؛ کشور نباید بهای آن را با حذف و سرکوب بپردازد.

میانهٔ جامعه و معیار حقوق بشر

۵. ظرفی به گستردگی جامعهٔ ایران

جنبش مشروطه‌خواهی ایران را نباید در مالکیت یک جناح چپ یا راست قرار داد. از نگاه من، راه گسترش آن از ساختن میانه‌ای نیرومند می‌گذرد؛ میانه‌ای که نیروهای گوناگون بتوانند در آن بر قواعد مشترک توافق کنند. مقصود، بی‌رنگ‌کردن عقاید یا سازش بر سر کرامت انسان نیست. مقصود، جمع‌کردن توان جامعه برای رسیدن به آزادی و ادارهٔ مسئولانهٔ اختلاف‌هاست.

لیبرال، سوسیال‌دموکرات، محافظه‌کار دموکرات، پادشاهی‌خواه و جمهوری‌خواه می‌توانند دربارهٔ مالیات، بازار و سیاست اجتماعی اختلاف داشته باشند و هم‌زمان از انتخابات آزاد، حقوق برابر و استقلال کشور دفاع کنند. پختگی سیاسی را باید در ظرفیت شنیدن، اصلاح خطا و انجام تعهد مشترک سنجید. میانهٔ جامعه زمانی قدرت می‌گیرد که مردم بتوانند برای زندگی روزمره و آیندهٔ فرزندانشان به آن اعتماد کنند.

در برابر برچسب افراط‌گرایی نیز پاسخ مؤثر، رفتار روشن و قابل ارزیابی است: دفاع از حق منتقد، پرهیز از تهدید، پذیرش تکثر و شفافیت در کار سیاسی. جنبشی که برای مخالف خود امنیت و حق مشارکت می‌خواهد، معنای آزادی‌خواهی را در عمل نشان می‌دهد. این معیار باید در جمع خود ما نیز رعایت شود.

۶. حقوق بشر، تعهدی برای همه

حقوق بشر ملک اختصاصی هیچ جریان سیاسی نیست. نباید اجازه دهیم دفاع از آن در رقابت میان برچسب‌های چپ و راست گم شود. معیار ما باید زندگی و کرامت انسان باشد: حق زن برای انتخاب پوشش و مسیر زندگی، حق شهروند برای اعتراض، حق زندانی برای برخورداری از کرامت و رسیدگی منصفانه، و حق هر خانواده برای دانستن حقیقت دربارهٔ عزیزانش.

سرکوب خونین دی‌ماه ۱۴۰۴، به‌ویژه روزهای هجدهم و نوزدهم دی، باید در کانون دادخواهی و توجه جهانی بماند. شورای حقوق بشر سازمان ملل در گزارش نشست ۲۳ ژانویهٔ ۲۰۲۶، از کشته‌شدن هزاران نفر، از جمله کودکان، در سرکوب اعتراضات سخن گفته است. این گزارش رقم نهایی تلفات آن دو روز را تعیین نمی‌کند؛ ازاین‌رو در این مقاله، عددی بیش از آنچه مستند شده به‌عنوان آمار قطعی مطرح نمی‌کنم. [۵]

وظیفهٔ ما ثبت حقیقت، حمایت از بازماندگان و پیگیری مسئولیت آمران و عاملان از مسیر رسیدگی مستقل است. قربانیان نباید به ابزار رقابت جناحی تبدیل شوند. اعتبار دادخواهی با دقت، حفظ اسناد و وفاداری به حقوق انسان تقویت می‌شود.

آزادی دین و آزادی بی‌دینی نیز باید هم‌زمان تضمین شود. باور مذهبی می‌تواند آزادانه در زندگی فردی و اجتماعی جریان داشته باشد؛ اما هیچ مذهب یا نهاد دینی نباید به دلیل عقیدهٔ خود صاحب امتیاز حکومتی یا اختیار اجبار دیگران شود. ایران مطلوب من خانهٔ برابر مؤمن و نامؤمن است.

ایرانِ زندگی، همکاری و مسئولیت

۷. اقتصاد و دوستی با جهان

ایران آینده باید جایی برای زندگی باشد: برای کار، آموزش، درمان، خلاقیت و لذت‌بردن از عمر. سیاست زمانی به مردم خدمت می‌کند که به امنیت زندگی و امکان پیشرفت آنان بینجامد. افتخار ملی بدون فرصت برای جوانان و امید برای خانواده‌ها، پشتوانهٔ پایداری نخواهد داشت. آزادی و آبادانی باید در تجربهٔ روزمرهٔ شهروند دیده شوند.

از همین رو، اقتصاد باید در مرکز برنامهٔ بازسازی قرار گیرد. دانش، تولید، کارآفرینی و ارتباط با جهان به محیطی نیاز دارند که در آن قانون قابل اتکا باشد، تصمیم‌ها توضیح داده شوند و منابع کشور پاسخ‌گوی نیاز مردم باشند. نیروهای سیاسی باید بتوانند دربارهٔ راه‌های ایجاد رفاه بحث کنند و برنامه‌های خود را در معرض داوری عمومی بگذارند.

من از ایرانی دفاع می‌کنم که با اروپا، آمریکا و دیگر شرکای غربی همکاری سازنده داشته باشد؛ با اسرائیل روابطی عادی و دوستانه برقرار کند؛ و با ملت‌ها و دولت‌های عرب، همسایگی امن و محترمانه بسازد. دوستی ایرانیان، اعراب و اسرائیلیان می‌تواند در پزشکی، دانشگاه، فرهنگ، تجارت و حفاظت از زندگی انسان معنا پیدا کند.

این مسیر باید بر منافع ملی، استقلال تصمیم‌گیری و احترام متقابل استوار باشد. حمایت خارجی جای ارادهٔ مردم ایران را نمی‌گیرد، اما همکاری بین‌المللی می‌تواند به آزادی، بازسازی و رفاه یاری برساند. در سخنان رسمی افتتاحیهٔ مراسم نیز از انتخابات آزاد، جدایی دین و دولت، حقوق برابر ایرانیان و صلح با همسایگان و اسرائیل یاد شد. [۴] برای من، اهمیت این زبان در امکان تبدیل آن به رابطه و همکاری عملی است.

۸. وفاداری به شاهزاده؛ مسئولیت برای ایران

زمان آن رسیده است که وفاداری به شاهزاده رضا پهلوی را در کار و مسئولیت نشان دهیم. ستایش، وقتی با اقدام همراه نشود، بار همهٔ انتظارها را بر دوش یک نفر می‌گذارد. هرکدام از ما باید از خود بپرسیم چه توانایی، تجربه یا ارتباطی می‌توانیم به کار مشترک بیفزاییم.

پزشک می‌تواند به درمان و توان‌بخشی آسیب‌دیدگان کمک کند؛ حقوقدان می‌تواند در مستندسازی و دادخواهی نقش داشته باشد؛ اقتصاددان برای بازسازی برنامه ارائه دهد؛ و کنشگر مدنی برای گفت‌وگو، آموزش و سازمان‌یافتن شهروندان کار کند. ایرانیان خارج از کشور نیز می‌توانند تجربه و ارتباط خود را به همکاری‌های مشخص و پاسخ‌گو تبدیل کنند.

تشکل‌های ما باید مسئولیت روشن، تصمیم‌گیری قابل فهم و گزارش کار داشته باشند. اعتماد از انجام تعهدهای کوچک و پیوسته ساخته می‌شود. اتحاد حول شاهزاده، در برداشت من، باید به افزایش توان مردم برای ساختن ایران بینجامد؛ ایرانی که هیچ شهروندی برای برخورداری از حقوقش مجبور به ستایش هیچ شخصی نباشد.

دعوت به اتحاد و ساختن آینده

۹. پیمانی برای همکاری ملی

از همهٔ احزاب، جریان‌ها و شهروندانی که به سکولاردموکراسی پارلمانی باور دارند دعوت می‌کنم توان خود را برای همکاری گرد آورند. پیشنهاد من، همراهی با نقش همگراکنندهٔ شاهزاده رضا پهلوی بر پایهٔ تعهدهایی روشن است: حفظ ایران به‌عنوان خانهٔ مشترک، حقوق برابر شهروندان، جدایی دین و حکومت و احترام به رأی آزاد مردم. این دعوت باید امکان حضور مستقل و محترمانهٔ نیروهای متفاوت را فراهم کند.

برای آغاز، لازم نیست دربارهٔ همهٔ تاریخ و همهٔ برنامه‌های آینده توافق داشته باشیم. می‌توانیم بر سر آزادی زندانیان سیاسی، حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده، مستندسازی سرکوب، گفت‌وگو با جامعهٔ جهانی و آماده‌کردن نهادهای پاسخ‌گو همکاری کنیم. هر توافق باید مسئول مشخص، هدف قابل فهم و امکان ارزیابی داشته باشد تا از سطح بیانیه به عمل برسد.

باید از کینه‌هایی که همکاری امروز را ناممکن می‌کنند عبور کنیم. نقد گذشته حق همه است؛ اما اختلاف دربارهٔ گذشته نباید به حکم دائمی دشمنی برای آینده تبدیل شود. تاریخ‌پژوهان باید آزادانه اسناد را بررسی کنند و جامعه نیز حق دارد دربارهٔ گذشته گفت‌وگو کند. در عین حال، مسئولیت امروز ما ساختن راهی برای زندگی مشترک و آزاد است.

آشتی ملی با فراموشی رنج قربانیان به دست نمی‌آید. حقیقت و دادخواهی باید جای خود را داشته باشند؛ مسئولیت رفتار مشخص نیز باید با سند و رسیدگی منصفانه بررسی شود. هیچ نسل، خانواده یا جریان اجتماعی را نمی‌توان به‌صورت جمعی مجرم دانست. آیندهٔ انسانی از احترام به همین تمایزها آغاز می‌شود.

۱۰. نقطهٔ عطف را با رفتار خود کامل کنیم

هفتم نوامبر ۲۰۲۶ برای من روزی بود که مبارزهٔ مردم ایران در صحنه‌ای معتبر، با زبان آزادی و کرامت انسانی دیده شد. این لحظه فرصتی است برای بلندترشدن صدای پهلویسم مدرن و آینده‌گرا؛ صدایی که افتخار ملی را با آزادی نقد، قانون و حق انتخاب پیوند می‌دهد.

ماندگاری این نقطهٔ عطف به کار ما از امروز وابسته است. باید آستین‌ها را بالا بزنیم، کمر راست کنیم و برای ایران پیمانی عملی ببندیم. هر جمعی که به گفت‌وگو می‌رسد، هر همکاری که رنج انسانی را کم می‌کند و هر نهادی که پاسخ‌گوتر می‌شود، بخشی از آینده را از همین امروز می‌سازد.

من ایرانی می‌خواهم آزاد، آباد، آراسته، نقدپذیر و مهربان؛ ایرانی که شهروندانش بتوانند با هم اختلاف داشته باشند و همچنان هم‌میهن بمانند؛ ایرانی در دوستی با جهان، در صلح با همسایگان و در همکاری با اسرائیل، آمریکا و اروپا. وفاداری ما به ایران باید در کیفیت همین آینده دیده شود.

روایت تصویری

مجموعهٔ عکس‌های ارسالی نویسنده؛ مراسم ۷ نوامبر ۲۰۲۶ و سفر فرانکفورت.



تصویری از مجموعهٔ شخصی ارسالی نویسنده در ارتباط با سفر فرانکفورت.



نمایی از سخنرانی در مراسم، از میان حاضران در پاولس‌کیرشه.



بخشی از مراسم در کنار جایگاه جایزهٔ آزادی ۲۰۲۶.



نمای دیگری از مراسم، از جایگاه حاضران.

منابع و یادداشت متن

۱. بنیاد فریدریش ناومن برای آزادی، «جایزه‌ای برای یک ملت». ۷ نوامبر ۲۰۲۶.
اطلاعیهٔ رسمی اعطای جایزه، محل مراسم و دریافت امانی آن توسط شاهزاده رضا پهلوی.
مشاهدهٔ منبع

۲. بخشایش، پیمان. «پهلویسم چیست و پهلویست کیست؟»
مقالهٔ تحلیلی نویسنده؛ نسخهٔ وب با تاریخ انتشار ۱۳ اکتبر ۲۰۲۶. برای پیوستگی دیدگاه نویسنده دربارهٔ میراث پهلوی و آیندهٔ دموکراتیک.
مشاهدهٔ منبع

۳. بخشایش، پیمان. «آشتی‌پذیری». ۱۸ اکتبر ۲۰۲۶.
دربارهٔ فهم رقیب سیاسی، همکاری ملی، حق انتخاب مردم و دادخواهی.
مشاهدهٔ منبع

۴. اشتفن زِبیش، سخنان افتتاحیهٔ مراسم جایزهٔ آزادی ۲۰۲۶. ۷ نوامبر ۲۰۲۶.
متن منتشرشده در وب‌سایت بنیاد فریدریش ناومن؛ دربارهٔ حقوق برابر، انتخابات آزاد، جدایی دین و دولت و صلح منطقه‌ای.
مشاهدهٔ منبع

۵. دفتر سازمان ملل متحد در ژنو، گزارش نشست ویژهٔ شورای حقوق بشر دربارهٔ ایران. ۲۳ ژانویهٔ ۲۰۲۶.
گزارش سرکوب اعتراضات و کشته‌شدن هزاران نفر؛ این منبع آمار نهاییِ مختص روزهای ۱۸ و ۱۹ دی را تعیین نمی‌کند.
مشاهدهٔ منبع

دربارهٔ متن: مقاله بر پایهٔ روایت و دیدگاه‌های دیکته‌شدهٔ دکتر پیمان بخشایش تنظیم شده است. تعبیر «نقطهٔ عطف» و تحلیل دو گرایش پهلویسم، داوری سیاسی نویسنده‌اند. روایت حضور در مراسم، تجربهٔ شخصی اوست. اطلاعات قابل بررسی به منابع بالا ارجاع دارند.

تصاویر: تصویر جلد با کمک هوش مصنوعی از تصویر ارسالی نویسنده بازسازی و واضح‌تر شده است. چهار عکس صفحهٔ تصویری با حفظ محتوای اصلی استفاده شده‌اند.

تاریخ نگارش و بررسی منابع: ۸ نوامبر ۲۰۲۶.